

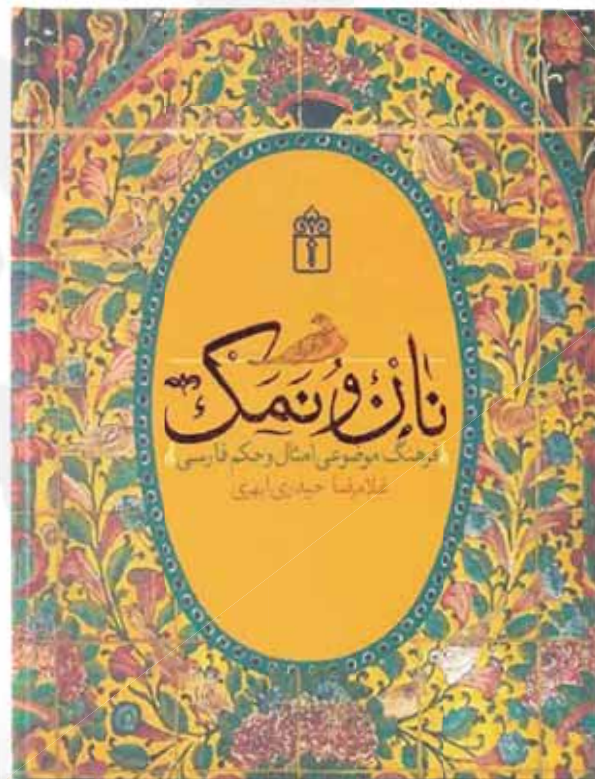
وقتی آقای چگینی سفر رفت

با غلامرضا حیدری ابهری، روحانی مؤلف

زهرة پرهادی

غلامرضا حیدری ابهری از روحانیون مؤلف است که از سال ۱۳۶۶ وارد حوزه‌ی علمیه‌ی قم شده و تاکنون کتاب‌های بسیاری برای کودکان و نوجوانان نوشته است. او می‌گوید: «از جوانی به نوشتن علاقه داشتم و وقتی با استقبال بچه‌ها از آثارم مواجه شدم، این کار را جدی‌تر دنبال کردم.» او پیش از ۲۵ سال است که می‌نویسد و کتاب‌هایش از جمله «فرهنگنامه‌ی سوره‌ها» و «دایرةالمعارف قرآن» در جشنواره‌ی کتاب رشد برگزیده و یا قابل تقدیر شده‌اند.

«بوی بهشت» اولین کتاب وی است. از دیگر آثار او می‌توان از مجموعه‌ی «من اهل بیت (ع) را دوست دارم»، «مهربانی با حیوانات» و «دایرةالمعارف سبک زندگی اهل بیت» نام برد. کتاب دیگر او «پول، خدا، بچه‌ها» در زمینه‌ی سواد مالی است. به واسطه‌ی چاپ جدیدترین اثرش به نام «حدیث زندگی» (آشنایی کودکان با سبک زندگی اسلامی) با آقای حیدری ابهری به گفت‌وگو نشستیم.



■ سبک زندگی چیست و موضوعات کتاب حدیث زندگی چگونه می‌تواند سبک زندگی اسلامی را به دانش‌آموزان و آموزگاران تبیین کند؟ باید عرض کنم، منظور از سبک زندگی شکل و نحوه‌ی زندگی ماست؛ به این معنا که هر آدمی براساس تصویری که از جهان، عمر، آخرت و ظرفیت‌های انسانی خودش دارد و اهدافی که آفرینش برایش در نظر گرفته است، زندگی می‌کند. بر همین اساس، با تفاوت جهان‌بینی‌ها، شیوه‌ی زندگی هم تغییر می‌کند و حتی تغییر شیوه‌ی زندگی، تغییر در ایجاد ارتباط‌هاست. اگر چهار ارتباط اصلی را ارتباط با خود، ارتباط با خلق، ارتباط با خدا و ارتباط با خلقت در نظر بگیریم، جهان‌بینی انسان که تغییر کند، هر کدام از این ارتباط‌ها هم تغییر می‌کند. مثلاً اگر کسی دنیا را مزرعه‌ی آخرت بداند، با دیگران مهربانانه رفتار می‌کند، بهره‌مندی‌های مالی خودش را با دیگران تقسیم می‌کند و فقط برای خوشبختی‌های خودش برنامه‌ریزی نمی‌کند، بلکه برای سعادت‌ی ابدی برنامه‌ریزی می‌کند، حرصش کمتر می‌شود، امید و تلاشش زیادتر می‌شود و لذت‌طلبی‌های نامشروعش را کنار می‌گذارد. منظور از سبک زندگی این معنی و شیوه‌ی زندگی است که خودش متناسب با جهان‌بینی هر کسی شکل می‌گیرد.

من در این کتاب حدیث زندگی، سعی کردم احادیث را در ظرف زندگی عادی برای بچه‌ها توضیح بدهم و چنین نباشد که فکر کنیم حدیث فقط یک متن زیباست که پیوند چندانی با زندگی ندارد. وقتی ما حدیث را برای بچه‌ها می‌خوانیم، بدون اینکه توجه آن‌ها را به نمونه‌های واقعی جلب کنیم، آن‌ها درک خوبی از آن پیدا نمی‌کنند. ولی وقتی حدیث را با نمونه‌های امروزی به بچه‌ها توضیح می‌دهیم، به آن به‌عنوان گوه‌ری راهنما و چراغ راه نگاه می‌کنند. در این کتاب من کوشیده‌ام که بچه‌ها حدیث را با مصداق‌های امروزی آن در نظر بگیرند، و با توجه به آن، شیوه‌ی زندگی‌شان تغییر یابد.

■ کدام یک از مطالبی که در کتاب ذکر شده است برای جامعه‌ی امروز ما بیشتر نیاز است؟

این راحت نیست که بگویم کدام مطالب برای جامعه‌ی امروز ما بیشتر لازم است، ولی چند نمونه می‌گویم که به نظر خودم تجربه‌ی زندگی خودم بوده و در این زمینه‌ها کاستی‌های ما بیشتر است. یکی از آن‌ها رفتارهای اجتماعی و برخورد‌های ما با هم‌دیگر است. یعنی ما نسبت درستی را با افراد جامعه برقرار نمی‌کنیم؛ مشتری با فروشنده، فروشنده با مشتری،



ما را زیبا می‌سازد. گفت‌وگو در جمع دانش‌آموزان از آثار این سخنان مفید، خودبه‌خود به حفظ و کاربرد آن می‌انجامد.

بچه‌ها باید از ارزش این حدیث‌ها آگاه شوند. بشارتی به خانواده‌ها بدهم در این زمینه که معصوم فرمود: «سخن ما دل‌ها را زنده می‌کند.» شنیدن این احادیث به دلیل جذابیت و نورانی بودن، تأثیر خود را بر جان و دل افراد می‌گذارد. برای من شنیدن و خواندن حدیث در نوجوانی شیرین بود و حتی اگر بخشی را می‌فهمیدم، دلچسب بود. بعد از مدتی بچه‌ها را این ادبیات انس می‌گیرند و ارزش آن را بیشتر درک می‌کنند.

■ آیا کلیت اثر و داستان‌هایی که در آن است، بر مبنای تجربه‌های زیسته‌ی شما طراحی شده است؟ مطالبی که نوشتم با الهام از زندگی و تجربه‌های خودم بوده است؛ حتی گاهی اسم‌هایی که در این کتاب وجود دارد، از اسامی دوستان و اقوام است. مثلاً یکی از آشنایان در اداره‌ای کار می‌کند که مسافرت خارجی برایش پیش می‌آید. وقتی از سفر و مأموریت بر می‌گردد، ابتدا با خانواده به دیدار پدر و مادر می‌روند. در کتاب هم گفته‌ام آقای چگینی از سفر آمد و به پدر سر زد. نمونه‌های واقعی دارد، اما دنبال آن نبوده‌ام که مثال‌های عینی از زندگی این و آن بیاورم. غالباً دنبال آن بوده‌ام که با نمونه‌ای، حدیث را برای بچه‌ها توضیح دهم و آنان آن سخن حکیمانه و راهنمایی‌کننده را در ظرف زندگی خود ببینند و درک کنند.

که وقتی کسی کتاب را می‌خواند، حس قرابتی با احادیث بیابد و صدای اهل بیت (ع) را در زندگی امروز بشنود.

■ در انتخاب حدیث‌ها بیشتر از چه منبعی استفاده کرده‌اید؟

کتاب «میزان‌الحکمه». این کتاب از کتاب‌های معتبر است، چون منابع را معرفی کرده و احادیث کارشناسی شده را انتخاب کرده است. از نظر تدوین هم موضوعات آن رده‌بندی شده‌اند. کتاب‌های حدیث زیادند، اما باید کتابی جامع در این زمینه انتخاب می‌شد. این منبع ترجمه‌های خوبی هم دارد.

■ در استفاده از این کتاب به عنوان منبعی در کلاس برای آموزگاران یا در خانه برای والدین چه پیشنهادی دارید؟

پیشنهاد می‌کنم اجازه بدهیم دانش‌آموز متن را بخواند و درباری آن با هم گفت‌وگو کنیم و ببینیم آیا آن‌ها غیر از ایده‌ای که برای آن حدیث گفته شده است، می‌توانند مثال دیگری بزنند. مثلاً اگر من به آزار و اذیت همسایه و پارک کردن خودرودر مقابل پارکینگ مردم اشاره کرده‌ام، آیا آن‌ها هم مثالی از زندگی خود می‌توانند ارائه کنند؟ به این صورت حدیث با وسعت نظر بیشتری مورد توجه قرار می‌گیرد.

من خواهش می‌کنم بچه‌ها را به حفظ حدیث وادار نکنید؛ گرچه باید تشویق شوند زمینه‌ی تفکر در احادیث اهل بیت (ع) در آن‌ها به وجود بیاید. باید به آن‌ها نشان دهیم نیازمند راهنمایی اهل بیت (ع) هستیم و این مباحث، زندگی و اخلاق

پدر یا فرزند، فرزند با پدر، برادر با برادر یا خواهر و همسایه با همسایه، معلم با شاگرد، شاگرد با معلم، بیمار با پزشک، پزشک با بیمار. در هر کدام از این‌ها، نسبت‌هایی که آدم‌ها در طول روز با آن‌ها درگیرند، ما شیوه‌های درستی را متأسفانه نمی‌بینیم یا خیلی کمتر می‌بینیم. مثلاً می‌روید پیش پزشک و انتظارتان این است که او به حرف و به مسائل شما گوش بدهد و پرس و جو کند. ولی خیلی از پزشک‌ها همین که می‌رسید، شروع می‌کنند برای شما دارو نوشتن یا اصلاً شما یا همراه شما را نسبت به بیماری‌تان توجه نمی‌کنند که شما مثلاً باید چطور رفتار کنید. یا همسایه‌ها واقعاً از هم خبر ندارند و در آپارتمان نشینی حقوق همدیگر را رعایت نمی‌کنند. به نظر من موارد گوناگون ارتباطی باید در اولویت آموزش‌های اجتماعی ما قرار بگیرد و در سبک زندگی باید همه به‌طور جدی آداب معاشرت صحیح را بدانند و رعایت کنند. در زمینه‌ی سبک زندگی اقتصادی نیز بحث اسراف است که باید از آن دوری کرد. از طرفی هم خیلی‌ها می‌خواهند بدون تلاش به ثروت زیاد برسند و این درست نیست.

■ درباره‌ی انتخاب حدیث و سپس انتخاب داستان در کتاب، کدام یک مبنای بنیان دیگری بوده است؟

هر دو مورد توجه من بوده است. یعنی دنبال حدیثی بوده‌ام که به زندگی نزدیک‌تر باشد یا حدیثی که بتوان داستان خوبی برای آن گفت. در این زمینه بسیاری احادیث را بررسی کردم تا ببینم کدام یک را بهتر می‌توانم بیان کنم. گاهی هم ماجرای خوبی به ذهنم می‌رسید که حدیثی برایش می‌یافتم. هدفم این بود